

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید محوی

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۲

خبر غافلگیرکننده ماه اکتوبر :

اسرائیل و ایالات متحده خود را برای حمله به ایران آماده می کنند



یکی از منابع آگاه در مجله «فورین پلیسی» (۱) اظهار داشت که ایالات متحده و اسرائیل مذاکراتشان را پیرامون موضوع حمله «جراحی کننده» به مراکز هسته ای ایران که قرار است به زودی به اجرا گذاشته شود آغاز کرده اند.

پس از ماه ها فشار از سوی مقامات اسرائیلی برای مداخله ایالات متحده، پیرامون شایعه مرتبط به برنامه سلاح هسته ای توسط ایرانیان، یکی از منابع آگاه که مایل نبود هویتش آشکار شود، به دیوید راتکوف در مجله «فورین پلیسی» (مجله ای که موضوع مرکزی آن غالباً امور خارجه و اقتصاد است) گفت : که در حال حاضر هر دو کشور هم پیمان به توافق مشترک برای حمله به ایران خیلی نزدیک شده اند.

اگر چه طرح حمله کاملاً مشخص نشده، ولی بر اساس اظهارات این منبع آگاه، حمله مطمئناً از طریق آسمان و با استفاده از پهپاد و بمب افکن صورت خواهد گرفت و تنها «چند ساعت» به طول خواهد انجامید و به دو سه روز عملیات بیشتر نیاز نخواهد داشت (۲).

این منبع آگاه اضافه می کند که اگر چه ایالات متحده موافقت قطعی خود را برای حمله به ساختارهایی که متخصصان علمی ایران مظنون به اجرای طرح ساخت سلاح هسته ای هستند، هنوز اعلام نکرده است، ولی قطعاً برای تخریب مؤثر این ساختارها، مداخله ایالات متحده ضروری خواهد بود.

به گفته راتکوف در مقاله ای که روز دو شنبه ۸ اکتوبر منتشر کرد: «برای نفوذ در مراکز هسته ئی ایران، به عنوان مثال، مرکز فردو، به مهمات سنگر نیاز دارد و این نیاز در حدی است که نیروی هوایی اسرائیل قادر به انجام آن نیست. بی گمان چنین مأموریتی به عهده ایالات متحده خواهد بود که به تنهایی و یا در هماهنگی با اسرائیل و دیگر هم پیمانانش عمل کند.»

اسرائیل از مدتها پیش مدعی شده بود که متخصصان ایرانی در حال غنی سازی مواد هسته ئی برای استفاده در کلاهک های هسته ئی هستند، در حالی که بیانییه های ایران دائما روی برنامه هسته ئی صلح آمیز تأکید داشته است. خصومت بین اسرائیل و همسایه اش به نقطه حساسی رسیده، و به همین علت نتانیاهو پا فشاری می کند که ایالات متحده «خط قرمزی که نباید از آن عبور کرد» را برای ایران تعیین کند و پیش از آن که دیر شود، به این کشور اولتیماتوم بدهد. ماه گذشته، رئیس جمهور بارک اوباما به زنگ خطرهایی که اسرائیل در مورد بالا گرفتن تهدید هسته ئی به صدا درآورده بود توجهی نشان نداد، اگر چه تأیید کرد که نگرانی های مرتبط به مخاطراتی که ایران هسته ئی می تواند به وجود بیاورد آگاه است، ولی هیاهوهای نخست وزیر اسرائیل را ندیده گرفت که دائما روی مداخله نظامی ایالات متحده پافشاری می کرد.

چند روز بعد در جلسه عمومی سازمان ملل متحد، رئیس جمهور اوباما با تأکید بیشتری اعلام داشت که اگر ایران در پی ساخت سلاح اتمی باشد، ایالات متحده کاری را که باید، برای جلوگیری از ایران برای دستیابی به سلاح اتمی انجام خواهد داد، و اضافه کرد که هر گونه تلاش ایران برای دستیابی به چنین سلاحی، تهدیدی خواهد بود برای حذف اسرائیل، و به خطر انداختن امنیت دولت های خلیج فارس و ثبات اقتصادی جهان...»

بر اساس گزارشی که روزنامه «روسیه امروز» (روسیا تو دی) نیز منتشر کرده است، مرتبط است به فلمی که از مراکز ایرانی تهیه شده و توسط یکی از نزدیکان رئیس جمهور احمدی نژاد، که گویا به غرب گریخته، و آن را به اطلاعات امریکا تحویل داده است، بر این اساس سرانجام ایالات متحده در شرایطی قرار می گیرد که می تواند تسلیم پافشاری های اسرائیل شود و به ایران حمله کند.

اگر شایعه حقیقت داشته باشد، و طرح حمله به اجراء گذاشته شده باشد، منبع آگاه ما می گوید که حمله نظامی باید بی آنکه خسارت جانی(۴) بر جای بگذارد (یعنی بدون تلفات انسانی) طرح هسته ئی ایران را سالها به عقب بازگرداند. نتیجه نهائی احتمالا می تواند خیلی به نفع ایالات متحده تمام شود، به ویژه برای منافعی که در منطقه دارد، یعنی منافعی که کشور را همیشه وارد مناقشات مختلف کرده است. اگر ایالات متحد آتش جنگ را علیه ایران به پا کند، نتایج دراز مدتی در منطقه خواهد داشت، خاصه در رابطه با سرمایه گذاری های آینده در منطقه. به باور منبع آگاه ما در این اینجا، حمله نظامی به ایران، به عامل تحولاتی در منطقه تبدیل خواهد شد و عراق و سوریه و لبنان را نجات خواهد داد، و روند صلح را دوباره فعال خواهد ساخت و در عین حال امنیت خلیج فارس را تأمین خواهد کرد. حمله نظامی به ایران در عین حال پیغام صریحی خواهد بود برای چین و روسیه، و پدرخواندگی ایالات متحده را برای دهه های آینده در منطقه تضمین خواهد کرد.

اگر اسرائیل به تنهایی و بدون کمک مستقیم ایالات متحده به ایران حمله کند، الزاما در امنیت نخواهد بود. اگر چه رئیس جمهور اوباما به عنوان وکیل مدافع راه حل صلح آمیز بین ایران و اسرائیل پیش قدم شده است، ولی افسران ایرانی اعلام کرده اند که در صورتی که ایالات متحده و هم پیمانانش دست به حمله بزنند، برای پاسخگویی به آنها هیچ مشکلی نخواهند داشت.

ژنرال امیر علی حاجیزاده از سپاه پاسداران انقلاب در ماه گذشته به روزنامه نگاران اعلام کرد که «در صورت حمله نظامی، کشورش مستقیماً با تمام پایگاه های امریکائی در منطقه وارد جنگ خواهد شد» و اضافه کرد که «در منطقه کشور بی طرفی وجود ندارد و برای ما این پایگاه های معادل سرزمین امریکا می باشد.» (۵)

پی نوشت مترجم :

(۱) Foreign Policy

(۲) در مورد ادعای حمله دو سه روزه یا دو سه ساعته بدانیم که (بر اساس داستان فلم سقوط شاهین سیاه) اکتوبر ۱۹۹۳ در سومالی وقتی جنگ داخلی به قحطی و گرسنگی در بین مردم دامن زده بود، نیروهای ژنرال محمد فرح عیدید به نیروهای سازمان ملل متحد حمله بردند. امریکائی ها یک واحد از نیروهای ویژه خود را که از نیروهای دلتا DeltaForce و رنجرها تشکیل شده بود، برای متوقف ساختن نیروهای ژنرال عیدید گسیل کردند. ۳ اکتوبر ۱۹۹۳ یک رابط و خبر چین سومالیائی که برای ایالات متحده کار می کرد، خبر می آورد که اعضای شورشیان در حاشیه بازار بکارا اجتماع کرده اند. نیروهای ویژه طرح حمله با هلیکوپتر را به اجراء می گذارند. در این عملیات نیروهای دلتا می بایستی رهبران شورشیان را دستگیر می کردند. مأموریت کشف رهبران شورشیان به عهده رنجرها واگذار شده بود. **ولی عملیاتی که می بایستی ۳۰ دقیقه به طول انجامد، به ۱۵ ساعت کشید و شورشیان ژنرال عیدید در یک ضد حمله دو هلیکوپتر شاهین سیاه را سرنگون کردند. نبرد مگادیشو در ۳ و ۴ اکتوبر ۱۹۹۳ برای امریکائی ها به بهای ۱۹ کشته و ۷۳ زخمی تمام شد و شورشیان نیز متحمل صدها کشته و زخمی شدند.**



در نتیجه با مراجعه به تاریخ، می توانیم بگوئیم که چنین محاسباتی که از عملیات دو ساعته و دو سه روزه علیه ایران حرف می زند، در واقع به رسانه هائی تکیه دارد که وجه مشخصه آنها اختلال در عملکرد زبان و در نتیجه انکشاف پسیکوز جمعی می باشد. طراحان حمله دو سه ساعته و دو سه روزه که با نازل جلوه دادن ارقام قید شده می خواهند نتایج اسفناک عظیم آن را به پشت صحنه موکول کنند، به هیچ عنوان از احتمال گسترش جنگ ناآگاه نیستند. اسرائیل حتی با پشتیبانی تمام ناتو و ایالات متحده نیز در امان نخواهد ماند، و بر اساس ادعای حسن نصرالله در لبنان، پس از دریافت موشک های مدرن و دقیق ساخت ایران، که باید آن را جدی بگیریم، پیشبینی های دولت اسرائیل را کاملاً اشتباه دانسته، و احتمال ۵۰۰ نفر قربانی اسرائیلی را در واقع به بیش از دو میلیون نفر، و آواره شدن تمام اهالی اسرائیل افزایش می دهد. چنین قدرت پاسخی با قطع نظر از قدرت جنگی ارتش ایران را باید به عنوان عامل بازدارنده قطعی به حساب بیاوریم. با این وجود این محاسبات تنها در یک صورت ممکن است صحیح

باشد، و آن هم این است که جمهوری اسلامی ضربه را تحمل کند و پاسخ نگوید. حال اندکی به چگونگی چنین احتمالی بپردازیم: در صورتی که جمهوری اسلامی به حمله دو سه ساعته واکنشی نشان ندهد، ایالات متحده به اهداف اصلی خود یعنی تسلط بر منطقه خاورمیانه و منابع انرژی آن دسترسی پیدا نخواهد کرد، زیرا تمام داستان بمب هسته‌ای ایران افسانه‌ای بیش نیست. سناریوی حمله دو سه ساعته با حساب عدم واکنش جمهوری اسلامی، به این شکل خواهد بود که: ایالات متحده پس از بمباران و خاموشی جمهوری اسلامی، اعلام خواهد کرد که اهداف بمباران شده به شکل قطعی از بین نرفته‌اند و مراکز دیگری را باز هم با همان حساب و کتاب دو سه ساعته و دو سه روزه باید بمباران کند، ولی مجبور است چند تا از مراکز رادار و غیره و صد البته مراکز ستراتیژیک مانند کودکستان و شیرخوارگاه و دانشگاه و بیمارستان را نیز بمباران کند، که البته بمباران این گونه اهداف ستراتیژیک از مهارتهای شناخته شده غرب است. در نتیجه نظریه عدم واکنش از سوی جمهوری اسلامی ایران بی اساس خواهد بود و قطعاً با آگاهی به چنین موضوعی، اجباراً در همان دقیقه اول به حمله پاسخ خواهد گفت.

میشل شوسودوسکی طی مقاله‌ای، بر این باور بود که ایالات متحده می‌خواهد از اسرائیل در جنگ علیه ایران به عنوان ابزار استفاده کند، و به اسرائیل هشدار می‌داد که با ایران وارد جنگ نشود. به درستی به یاد نمی‌آورم که در کجا خواندم که «اسرائیل برای غرب بار زیادی است» و تنها نقشی که دارد همین است که سکوتی باشد برای عملیات چپاول منابع منطقه و جلوگیری از اتحاد اعراب، در نتیجه اگر برای این سکوت جایگزینی پیدا شود، علت وجودی اسرائیل نیز برای غرب منتفی خواهد شد، و شاید هم که سرنوشت قوم اسرائیل همین است که یک بار دیگر در کوره‌های آدم‌سوزی بسوزد، و نباید فراموش کنیم کوره‌های آدم‌سوزی که نازیها بر پا کرده بودند، پدر جد موشک‌های امروزی و موتور جت هستند. با این تفاوت که اگر تا دیروز کشورهای مسلمان همیشه برای یهودی‌ها جایگاه امنی بوده که از دست مسیحیان غرب بگریزند، امروز ممکن است، که به شکل دیگری، یعنی در جنگی که غرب به پا می‌کند، در آتش موشک‌های حسن نصرالله از بین بروند و آواره شوند. البته نظریه پیغمبران من این است که اگر چه جنگ‌های مذهبی – که مطمئناً ریشه اقتصادی دارد – در وضعیت جنگ تمام عیار مطرح می‌شود، ولی بعید به نظر می‌رسد که چنین جنگی در گیر شود، و اگر قرار بر این باشد یکی از دو طرف قطع نسل شود، بازار مذهب تعطیل خواهد شد. پس چنین جنگی روی نخواهد داد. من خیلی به روضه خوانی‌ها و سخنرانی‌های نظریه پردازان آخر زمانی شیعه گوش کرده‌ام و بیش از پیش می‌بینم که تا چه اندازه مسلمانان برای یهودیان با تمام شماتتهایی که به این قوم روا می‌دارند، حتی به شکل منفی برای آنها تبلیغ می‌کنند، و حتی حسن عباسی در یکی از سخنرانی‌هایش مدعی شد که اینها پیغمبران ما را از ما دزدیده‌اند و ما باید پیغمبرانمان را پس بگیریم، یعنی مسلمان‌ها در برخی موارد مدعی موسی به عنوان پیغمبر خودشان هستند، و علاوه بر این با اندکی موشکافی در بیانی‌ها و سخنرانی‌ها می‌بینیم که تا چه اندازه در جست و جوی این قوم برای رسیدن به سرزمین موعود کنجکاوی به خرج می‌دهند. یعنی به شکل خاصی و مشخصاً در اشکال واپس زده وضعیت جغرافیائی نامطمئن قوم اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند. وجه تناقض آمیز نیز در همین جا نهفته است که از یک سو اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند، و از سوی دیگر جست و جوی دائمی قوم یهود را برای سرزمین موعود بازشناسی می‌کنند. با این وجود مسلمانان شیعه کار خودشان را مشکلتر می‌دانند زیرا اگر یهودیان در پی سرزمین موعود هستند، ولی آنها در انتظار زمان موعود به سر می‌برند. در این جا زمان و مکان در اتحاد با یکدیگر عمل می‌کند که این دروغ شادخار را – یعنی خدا – را سر پا نگهدارد.

در هر صورت، طرح جنگ دو سه ساعته علیه ایران هیچ پایه و اساس عینی ندارد، کافی است که به صحنه جنگ در لیبیا و یا در سوریه فکر کنیم که تا چه اندازه طول کشیده است، و با این حساب که نیروی نظامی لیبیا (با ۵ میلیون جمعیت و هزاران قبیله) قابل مقایسه با ایران و امکانات ارتش ایران نیست. علاوه بر این بسیاری از منتقدان ستراتیژی اعلام کرده اند که جنگ علیه ایران به معنای آغاز جنگ جهانی سوم خواهد بود. در نتیجه چنان که این نظریه صحت داشته باشد، جنگ جهانی سوم از جنگ دو سه روزه و حتی ۳۳ روزه فراتر خواهد رفت.

ولی آن چه بیش از همه برای ایرانیان حائز اهمیت به نظر می رسد، این است که حمله نظامی اسرائیل و آمریکا پیش از همه بر اساس اصول جنگی تقریباً قدیمی که ونسان رینوار توضیح داده است (۳) مقدم بر همه شهروندان غیر نظامی را هدف می گیرد و آنها هستند که بیش از همه تلفات خواهند داد. و اگر چه ایرانیان به موضوع دفاع غیر عامل کاملاً آگاهی دارند، ولی تصور نمی کنم امروز با وجود بمب های اورانیوم ضعیف شده سپری وجود داشته باشد که بتواند آنها را حفاظت کند. اسرائیل و فرانسه و آمریکا قطعاً غیر نظامیان، مردم عادی و کودکان و دبستان ها و مراکز بهداشتی و اینگونه اماکن را هدف می گیرند. چنان که در عراق و افغانستان و جاهای دیگر دست به چنین جنایاتی زده اند. و اساساً لژیون خارجی فرانسه - به عنوان مثال - انباشته از افراد آدمکش و بزهکار است که برای فرار از مجازات به ارتش فرانسه خدمت می کنند. ایرانی ها هیچ چاره ای ندارند مگر این که روی ساخت و سازها و عناصر بازدارنده تکیه کنند.

۳) ونسان رینوار. اسرار و رسوایی سلاح های اورانیوم ضعیف شده

« متفقین طی جنگ دوم جهانی چه کردند؟ متفقین می گفتند جنگ ارتش علیه ارتش، مناسب نیست، خیلی طول می کشد و خیلی از سربازان ما کشته خواهند شد، در نتیجه چنین راه حلی مناسب نیست. آلمان؟ آلمان را بمباران می کنیم. اقتصاد آلمان را از کار می اندازیم. تمام کارخانه ها و راه های ارتباطی، و شهرها را نیز ویران خواهیم کرد تا روحیه مردم کاملاً تضعیف شود.

کشوری که راه ارتباطاتی ندارد، تولید ندارد، و مردم هم روحیه شان را از دست داده اند، چون که بی خانمان شده اند و مرگ نزدیکانشان را دیده اند، کشوری است که دیگر توان جنگیدن ندارد. به این شکل بود که متفقین پیروز شدند، و تمام این داستان های قهرمانی... «آخرین نبرد...» و غیره بی اساس است. متفقین گفتند، نه نه، جنگ نوین چیز دیگری است. جنگ نوین تخریب کشور است و نه تخریب ارتش کشور. و اوج این نظریه در جاپان به اجرا گذاشت شد. در مورد جاپان گفتند که می توانیم به زانو درآوریمش ولی سه چهار سال طول می کشد تا تمام جزایر را تسخیر کنیم، ... پس تصمیم گرفتند بمب اتمی را پرتاب کنند. [تسلیم نمی شوید؟ بمب دوم را هم پرتاب می کنیم، روی سر زن و بچه...]

برای حفاظت از جان سربازان غیر نظامیان را می کشند. جنگ علیه جاپان و جنگ علیه آلمان یعنی همین، یعنی کشتار غیر نظامیان. نمی خواهیم نظامیان ما کشته شوند. سربازان برای رژه خوب هستند، در نتیجه باید زن و بچه دشمن را کشت، با سلاح های وحشتناک و جهنمی. بمب اتمی یعنی کشتار زن و بچه های دشمن.»

<http://stopua.blogfa.com/post/30>

۴) خسارت جانبی اصطلاحی است که به بازی زبانی پنتاگون تعلق دارد، البته نویسنده در این مقاله به کار نبرده، و مترجم آن را به جای «قربانیان غیر نظامی» به کار برده است. «خسارات جانبی» همان اصطلاحی بود که توسط ارگان های روابط عمومی پنتاگون رایج گردید، تا غیر نظامیانی را که در عملیات نظامی کشته می شدند به این

شکل تعریف کرده و آن را «خسارت جانبی» نامیدند تا از طریق این بازی زبانی در افکار عمومی غرب شکل و شمایل قابل قبولی را بازتاب داده و با جلب توافق عمومی عمل خشونت بار خود را توجیه سازند.»

برای اطلاعات بیشتر توصیه می کنیم به مقاله زیر مراجعه کنید :

نوشته گیوم دو روویل . خسارات جانبی : پشت پرده حرکات خوف ناک دولتی

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/278>

۵) اظهارات ژنرال امیر علی حاجیزاده تازگی ندارد، افرادی مانند دکتر حسن عباسی نیز دائماً به تهدید موشکی علیه پایگاه های نظامی امریکا و به همین گونه علیه اسرائیل، به عنوان عامل بازدارنده اشاره می کنند. ولی دست کم یکی از پایگاه های مهم ایالات متحده در دیه گو گارسیا در اقیانوس آرام واقع شده که تعدادی بمب افکن ب ۲ نیز در آنجا مستقر می باشد که در فاصله ۴۶۰۰ کیلومتری ایران است، در حالی در آخرین رزم آیش نظامی ایران برد شهاب ۳ حدود ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ کیلومتر اعلام شد، یعنی ناگهان حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر از برد اعلام شده برای شهاب ۳ آب رفت. و این کاهش برد شهاب ۳ را نیز به عنوان امتناع از تنش در منطقه قلمداد کردند. ولی چنین محاسباتی برای کاهش تنش کاملاً اشتباه است. کمی دورتر دقیقاً این موضوع را نشان خواهیم داد.

در ثانی برای ایالات متحده و یا اروپا هیچ اهمیتی ندارد که تمام منطقه به آتش کشیده شود، به شرط این که غرب همچنان صبحانه اش را با قهوه داغ بی هیچ احساس ناامنی صرف کند. البته مختل ساختن جریان نفت است که ممکن است برایشان نگران کننده باشد.

ولی اصل این است که قدرت، قدرت را متوقف می سازد. حمله به پایگاه های نظامی غرب امپریالیستی در منطقه خلیج فارس، از دیدگاه من به هیچ عنوان عامل بازدارنده کافی به حساب نمی آید. متأسفانه تا زمانی که دولت های غربی احساس خطر نکنند، هیچ شباهتی به آدم های صلح طلب و متمدن نخواهند داشت، و مردم اروپا و امریکا نیز تحت تأثیر رسانه های حاکم، و پسکوز جمعی و نفرت نژادی و ملی خاص کشورهای امپریالیستی، همچنان به دولت هایشان برای قتل عام مردم جهان سوم و تخریب کشورها چک سفید خواهند داد. از تمام امریکا ما صلح طلبان ایرانی یعنی تمام مردم ایران تنها باید با گروه پنجاه نفره از صلح طلبان امریکائی در دالاس همبستگی داشته باشیم. پنجاه نفر صلح طلب از تمام قاره امریکای شمالی.

طرفدار صلح بودن خوب است، ولی شما نمی توانید یک جانبه از صلح حرف بزنید، در صورتی که غرب به شکل سرّی وارد سوریه می شود تا برای چپاول منابع آن، آدم کشی راه بیندازد و تمام کشور را تخریب کند (...). غرب سرمایه داری دائماً روند رشد نیروهای مولد را در جهان سوم به تأخیر انداخته است. در عصر حاضر، به سختی بتوانیم محاسبه کنیم که هر جنگی برای ملت هائی که آن را متحمل شده اند، تا چه اندازه سیر تحولی شان به تأخیر افتاده است. این حرفها البته برای آنهائی است که با نگاه عاقلان بر سفيه با ما از دموکراسی و تمدن غرب حرف می زنند. در این واقعیت هیچ تردیدی وجود ندارد : **تمدن سرمایه داری یعنی جنایت علیه بشریت**. این موضوع تنها در سطح کشوری مطرح نیست، بلکه هر فردی که به طیف جهان سوم و طبقات محروم تعلق داشته باشد چه در کشور خودش و چه در منطقه جغرافیائی غرب، می تواند با مراجعه به زندگینامه شخصی اش از نامالیمات دیوارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ملی و نژادی در زندگی فردی اش در این بازار مکاره برای شما بگوید. و حقوق بشر نوش جان عبدالکریم لاهیجی و شیرین عبادی، ما امروز از دوران استعمار یک قدم هم جلوتر نرفته ایم. و سیاست استعماری نیز یک مایلمتر تغییر نکرده است. در طیف مردم جهان سوم تنها بخش کوچکی از جامعه را می بینیم که از رفاه نسبی و یا ثروت و آزادی برخوردار هستند که غالباً خیلی موقتی نیز به نظر می رسد، زیرا که در جهان

سوم قدرت خیلی زود دست به دست می گردد، و روشن است که چنین وضعیتی به بهای سرکوب تا قتل عام بقیه تحقق پذیر می گردد.

آرزو داشتم که از صلح بگویم، ولی متأسفانه واقعیت عینی اجازه نمی دهد. ژنرال های ایرانی در عین حال همیشه فراموش می کنند که دولت های غربی همچنان حرف آخر را در اختیار دارند، و صاحب زمان هستند.

همین یکی دو ماه پیش روسیه به تمام جهان نشان داد که انسان دوستی و احترام به شرافت انسانی چگونه باید تضمین گردد و چگونه می توان مؤدبانه کشورهایمانند فرانسه را به سر مذاکره دعوت کرد که مثل آدمهای متمدن به گفت و گو بنشینند : روسیه آخرین محصول موشکی اش «بولوا» (چماق قفقازی) را پرتاب کرد. «بولوا»، تنها جلوه گاه انسانیت و ادب و شرافت انسانی و صلح دوستی - و عامل کاهش تنش - در دوران معاصر است. البته چنین شیوه ای برای اظهار ادب، خاص شیوه تولید سرمایه داری در مرحله امپریالیسم است و معمولاً نمی دانیم که به چه بهائی برای کشورهای دارنده و مردمی که با چنین نیروهائی انطباق هویتی دارند تمام می شود : پسیکوز جمعی، و سیر قهقرائی و اضمحلال شخصیتی... و جایگاه قاتل و دزد سر گردنه و شاید افزایش سرطان و انواع و اقسام بیماری های ناشناخته. با این همه جنایت آشکار، امروز من با شهامت کامل و اطمینان قطعی می توانم بگویم که از غرب چیزی به جز توقف اندیشه و توقف عملکرد زبان و یک ماشین جنگی تبهکار و آدمکش چیز دیگری باقی نمانده است. احتمالاً چند قطبی شدن جهان - شاید - بتواند جلوی این ماشین تبهکار غرب امپریالیستی را بگیرد و این نظام جنایتکار را پیاده کند و جنایتکاران جنگی را نیز به محاکمه بین المللی بکشاند.



RT

Global Research, octobre 12, 2012

Région : Moyen Orient

Thème: Guerre USA OTAN

In-depth report: L'IRAN

<http://www.mondialisation.ca/la-surprise-doctobre-israel-et-les-etats-unis-se-preparent-a-frapper-iran/53080>

روزنامه روسیه امروز

خبر غافلگیرکننده ماه اکتوبر :

اسرائیل و ایالات متحده خود را برای حمله به ایران آماده می کنند

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۲

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۱۴ اکتوبر ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/298>